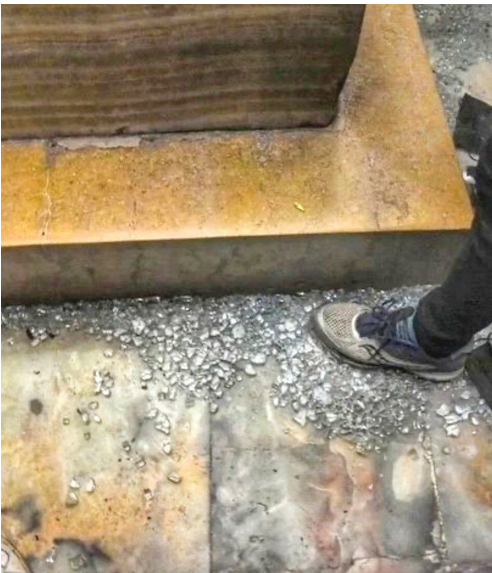


آسیب‌های وارد شده به تخت جمشید، حافظیه و... چه بوده‌اند؟ واکنش‌های مسئولان چیست؟

یادگارنویسی بر تنِ تاریخ



شمال‌شرقی این مسجد تاریخی، در جریان فیلمبرداری آسیب دیده؛ لکه‌های رنگ‌تیره‌وردوسایل صحنه‌سازی، حالا روی دیوارها جا خوش کرده‌اند، بی‌آنکه خبری از پاک‌سازی تخصصی‌شان باشد. گفته می‌شود مسجد برای مدتی در اختیار کامل گروه تولید قرار گرفته و حتی درهای آن هم جز برای اقامه نماز، بسته مانده بود. ماجرایی که بار دیگر زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد؛ میراث فرهنگی ما تنها در معرض تهدید تخریب‌گران بی‌هویت نیست، بلکه گاه در سایه بی‌ملاحظگی‌های فرهنگی، از دل خود فرهنگ نیز آسیب می‌بیند. حالا واقعاً باید دید آیا «بامداد خمار» مسجد عتیق قزوین را تخریب کرده یا خیر؟

قانون چه می‌گوید؟

در کنار نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، موضوع مهم‌تری نیز مطرح است؛ قانون. آسیب زدن به میراث فرهنگی، مطابق قوانین کشور نه‌تنها عملی غیراخلاقی بلکه جرم محسوب می‌شود؛ جرمی که در بسیاری موارد با بی‌توجهی یا بی‌اطلاعی نادیده گرفته می‌شود. ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی، هرگونه تخریب، تحریف یا آسیب‌رسانی به اموال تاریخی-فرهنگی ثبت‌شده را مستوجب مجازات می‌داند. اما این قانون، بدون آگاهی عمومی و اجرای جدی، همانند بسیاری از قوانینِ دیگر، صرفاً روی کاغذ باقی می‌ماند. برای مقابله با این تهدیدات و حفاظت از این یادگارهای گرانبها، قانون مجازات اسلامی در فصل نهم خود تدابیر سختگیرانه‌ای را در نظر گرفته است. این قانون نه‌تنها به‌طور جدی تخریب، حفاری غیرمجاز و سرقت از آثار تاریخی را منع می‌کند، بلکه مجازات‌های سنگینی برای آن‌ها در نظر گرفته تا از این آثار ارزشمند محافظت شود. با این رویکرد، قانون به‌وضوح اعلام می‌کند هر گونه آسیب به میراث فرهنگی کشور نه‌تنها جرم است، بلکه به آن‌هایی که در این مسیر کوتاهی می‌کنند، پاسخگویی جدی خواهد داشت. در حقیقت، این قانون به‌عنوان یک سد مستحکم در برابر تخریب و آسیب، ایستاده و از جواهرات تاریخی کشورمان دفاع می‌کند.

قانون مجازات اسلامی در فصل نهم کتاب پنجم، به‌طور ویژه به موضوع تخریب و آسیب به آثار تاریخی و فرهنگی پرداخته و با دقت و جامعیت، مجازات‌های سنگینی برای حفاظت از این میراث ارزشمند در نظر گرفته است. این فصل شامل شش ماده اصلی و چندین تبصره است که به تفصیل به تخریب، سرقت، حفاری غیرمجاز، مرمت بدون مجوز، و حتی ساخت آثار تقلبی می‌پردازد. هدف این قانون جلوگیری از هرگونه آسیب به اموال فرهنگی کشور و تضمین حفظ آن‌ها برای نسل‌های آینده است. بر اساس این قوانین، تخریب ابنیه و اماکن فرهنگی – تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده‌اند، شامل هرگونه آسیب به بنا یا حتی تزئینات آن، مجازات‌هایی همچون حبس یک تا ۱۰ سال را در پی دارد. به‌ویژه ماده ۵۵۸ قانون به‌شدت تخریب این آثار را ممنوع اعلام کرده و برای هرگونه اقدام ناآگاهانه یا عمدی در آسیب رساندن به این آثار، مجازات‌های سنگینی در نظر گرفته شده‌ است. علاوه بر این، قانون برای جلوگیری از حفاری‌های غیرمجاز به منظور بافتن اشیای تاریخی یا خارج کردن این آثار از کشور، مجازات‌هایی همچون حبس و ضبط اشیاء در نظر گرفته است. به‌طور مثال، هرگونه تلاش برای خارج کردن اموال تاریخی از کشور، حتی اگر به نتیجه نرسد، قاچاق محسوب می‌شود و مرتکب به حبس و جریمه‌های سنگین محکوم خواهد شد. همچنین در صورتی که فردی بدون اجازه اقدام به مرمت، تعمیر یا تغییر در ابنیه فرهنگی کند، به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و جبران خسارت وارده محکوم می‌شود. نکته جالب توجه این است که در قانون، آگاهی یا ناآگاهی از ثبت آثار نیز در نظر گرفته شده و اگر شخصی بدون اطلاع از ثبت اثر آن را تخریب کند، از مجازات معاف خواهد بود. این مجموعه تدابیر، علاوه بر تضمین حفظ آثار ملی، به‌طور جدی به مقابله با تخریب‌های عمدی و ناآگاهانه پرداخته و نشان می‌دهد حفاظت از میراث فرهنگی یک مسئولیت جمعی است که به‌رعایت دقیق ضوابط و آگاهی عمومی نیاز دارد.



اشاره کرد یگان حفاظت میراث فرهنگی استان در کنار دیگر نهادهای امنیتی نظارت بر پل‌های تاریخی‌سی را در ایام نوروز انجام داده‌اند. وی بر لزوم همکاری همه نهادهای خدمات‌رسان برای حفاظت از این آثار تأکید کرد و گفت عملیات مرمت پل‌ها، به‌ویژه سی‌وسه پل و پل خواجو، به‌طور سالیانه و با اعتبارهای قابل توجهی انجام می‌شود. همچنین کرم‌زاده یادآور شد حفاظت از این بناها تنها به مسئولان میراث فرهنگی محدود نمی‌شود و نیاز به آگاهی‌رسانی و فرهنگ‌سازی عمومی برای جلوگیری از آسیب‌های بیشتر به میراث تاریخی دارد.

جای خالی فرهنگ‌سازی

بسا اعلام این موضوع که آن فرد خاطی تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد، موجی راه افتاد که این نوع از کارها برخورد‌های مسکنی است و نمی‌تواند این مشکلات را حل و فصل کند. در کنار این موضوع، برخی این اقدام را درمست خوانده و آن را ابزاری برای فرهنگ‌سازی دانستند. این روزها، فضای مجازی نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کند؛ هم جایی است برای افشا و بازتاب این آسیب‌ها، و هم فرصتی بوده برای آغاز یک جریان مؤثر در مسیر فرهنگ‌سازی و حفاظت از آنچه باقی مانده است. هرچند در پاره‌ای از موارد، تنها به انتشار چند تصویر و چند خط‌کلیه در کیشن‌ها محدود می‌شود، اما همین بازتاب‌ها می‌تواند آژارگر یک حساسیت جمعی باشند. فضای مجازی امروز در انتقال اطلاعات، آگاهی‌رسانی و بازتاب تخریب‌های وارده به آثار تاریخی، نقشی جدی ایفا می‌کند. تصاویر و گزارش‌های مردمی از یادگارهای نویسی‌ها، آسیب‌های وارده‌شده و رفتارهای ناجناب‌به‌سرعت در سطح گسترده منتشر می‌شوند. این امر علاوه بر ایجادفشار اجتماعی، منجر به شکل‌گیری گفت‌وگوهای جدی درباره لزوم احترام به میراث فرهنگی شده است. جریان‌سازی نسبت به این موضوعات تا حد زیادی روی دوش مردم افتاده و این انتظار از آن‌ها می‌رود که با مطالبات جدی و درست‌ اهمیت موضوعات را نگه داشته و مسئولان را وادار کنند تا برخورد جدی و درستی شکل بگیرد. از طرفی دیگر، فعالان فرهنگی اعم از فیلمسازان، نویسندگان و مدیران رده‌بالا در رشته‌های وابسته، باید از این فرصت شایسته با گردشگران، این افراد نقش فعالی در پیشگیری از آسیب و کودکانی که امروز برای آنان محتوای درست آماده می‌شود، تبدیل به بزرگسالانی می‌شوند که نه‌تنها آسیبی وارد نمی‌کنند، بلکه کودکان نسلی بهتر از خودشان هم می‌سازند. پس توجه به کودکان نباید نادیده گرفته شود. به گفته مدیرکل میراث فرهنگی استان فارس، فرهنگ‌سازی تنها با فعالیت‌های مقطعی ممکن نیست. به گفته او: «فرهنگ‌سازی یک فرایند مستمر است. همان‌طور که در حوزه محیط زیست یا ایمنی جاده‌ای تجربه‌های موقعی داشتیم (مثل کمپین‌های «نه به تصادف» یا انیمیشن‌های آموزش ترافیک) در حوزه میراث فرهنگی نیز می‌توان با تولید محتوای غنی، جذاب و مردم‌پسند، تأثیرگذار بود.» او ادامه می‌دهد یکی از مزایمات فرهنگ‌سازی، مدیریت هماهنگ و بین‌بخشی میان نهادهای فرهنگی، رسانه‌ها و مسئولان است. استفاده بهینه از بسترهایی همچون شبکه‌های اجتماعی، که در دسترس عموم مردم هستند، می‌تواند در ارتقای سطح آگاهی عمومی و شکل‌گیری حس مسئولیت‌پذیری ملی نسبت به آثار تاریخی مؤثر باشد. اما نکته‌ای که باید لحاظ شود این است که فرهنگ‌سازی باید به نوعی باشد که مردم دلشان برای این آثار بسوزد و خودشان حافظ و نگهدار این آثار باشند.

تنورآسیب زدن به بناهای تاریخی گرم است

در حالی که هنوز گردن‌راحتی از آسیب‌های وارده‌شده به‌پل‌های تاریخی اصفهان فرو نشسته، دیروز خبر دیگری از قزوین به گوش رسید؛ این‌بار مسجد عتیق، بنایی با بیش از یک قرن قدمت در فهرست آثار ملی، درگیر حاشیه‌ای تازه شده است. تصاویر منتشرشده در لوکیشن سریال «بامداد خمار» ساخته ترکس آبیار، اینطور به نظر می‌رساند که بخشی از دیوار آجری یکی از شیبستان‌های

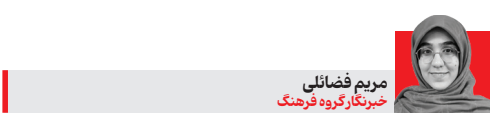
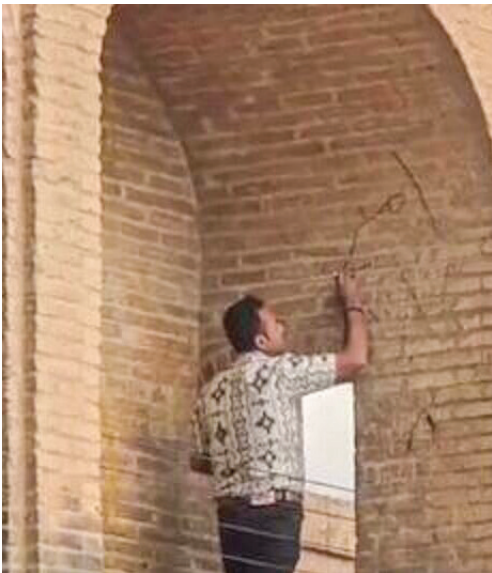


پنچیده‌تر از ترمیم آثار آجری است. برخی سازه‌ها همچون تخت‌جمشید، دارای پدیده‌های طبیعی خاصی نظیر «گل‌سنگ» هستند که برای پاک‌سازی آن‌ها نیاز به مواد و تکنیک‌های خاصی وجود دارد. همچنین مرمت این بناها نیازمند طرح مرمتی دقیق و کارشناسی است که توسط متخصصان این حوزه تهیه می‌شود.» شیراز که شروع سالش بر حرف و حدیث بود، در پایان تعطیلات دوباره برمسر زبان‌ها افتاد. در روز ۱۳م فروردین، با انتشار فیلمی در شبکه‌های اجتماعی دوباره نگاه افکار عمومی را به خود جلب کرد. فیلم که توسط یکی از شهروندان شیرازی گرفته شده بود، از پیدا شدن قطعه سنگی مشابه سرستون‌های تخت‌جمشید خبر می‌داد. در ادامه با توجه به گفته ثابت اقلیدی تأکید شد تکه سنگی که در فیلم مشاهده شده، از مجموعه جهانی تخت‌جمشید جدا نشده و متعلق به محوطه پیرامونی آن است. این سنگ به‌طور طبیعی از سطح زمین بیرون آمده و توسط یک فرد پیدا شده و به یگان حفاظت میراث فرهنگی تحویل داده شده است. محوطه میان تخت جمشید و نقش رستم، منطقه‌ای با آثار باستانی زیاد است که به‌دلیل عوامل طبیعی مانند بارندگی و تردد خودروها، ممکن است از آثار سطحی و زیرسطحی نمایان شوند. مدیرکل میراث فرهنگی فارس همچنین اشاره کرد که در این منطقه حفاری‌های محدودی انجام شده و برنامه‌هایی برای کاوش‌های جدید در این محدوده وجود دارد.

البته شیراز تنها بابت موضوعاتی مانند تخریب و آسیب به بناهای تاریخی و فرهنگی‌اش نقل زبان‌ها نبود. طبق آمار، تاروز نهم فروردین، حافظیه و تخت‌جمشید پربازدیدترین اماکن تاریخی ایران بودند. تخت‌جمشید با ۳۵۴ هزار و ۹۰۲ بازدیدکننده در صدر قرار گرفت. پس از آن، حافظیه با ۳۳۴ هزار و ۱۴۰ نفر و سعدیه با ۲۱۷ هزار و ۴۸۸ نفر، بیشترین میزان بازدید را ثبت کردند.

یکی دیگر از اتفاقاتی که در استان فارس، برای نخستین بار رخ داد، اجرایی شدن طرحی با عنوان «دستیار مردمی اماکن تاریخی» بود. در این طرح، از راهنمایان گردشگری دارای مجوز به عنوان ناظران فرهنگی استفاده شد؛ چراکه این افراد آداب میزبانی را کاملاً بلدند. هدف این بود که در کنار رفتار شایسته با گردشگران، این افراد نقش فعالی در پیشگیری از آسیب و فرهنگ‌سازی در محل داشته باشند. در ایام نوروز، تعداد نیروهای نظارتی در حافظیه از دو نفر به حدود ۱۸ نفر افزایش یافت. به گفته این مدیرفرهنگی، این تجربه یکی از موفق‌ترین مدل‌های مدیریت مشارکتی در حوزه میراث فرهنگی بوده و می‌تواند به الگوی برای سایر استان‌ها تبدیل شود. هرچند در شیراز وضعیت مدیریت‌شده‌تری وجود داشت، اما در برخی از دیگر شهرها، پدیده ناخوشایند «یادگاری نویسی» روی آثار تاریخی مجدداً رخ داد. این پدیده نه‌تنها یک تخلف محسوب می‌شود، بلکه در مواردی خسارات جبران‌ناپذیری به بافت و اصالت بناها وارد می‌کند. اصفهان، دومین شهری بود که حواشی تخریب و آسیب به آثار تاریخی در آن، افکار عمومی را درگیر خود کرد. داستان تلخ اصفهان هم‌زمان با بازگشایی زاینده‌رود پس از مدت‌ها خشکی بود. در حالی که مردم اصفهان با خوشحالی و هیجان به کناره‌های رودخانه آمده بودند تا از بازگشت آب به زاینده‌رود لذت ببرند، به نظر می‌رسید که این جاری شدن آب مهم‌ترین اتفاق روز نیست. در میان تمام ویدئوهای شاد مردم، فردی به نام «امیر» به‌خود زحمت داده و با مژگ به دنبال ثبت نام خود روی پلی با قدمت ۱۴۲۰ سال بودا به نظر می‌رسید برای امیر، ثبت حضورش مهم‌تر از جاری شدن آب بعد از مدت‌ها بود.

امیر کرم‌زاده، مدیرکل میراث فرهنگی استان اصفهان، پس از انتشار فیلمی از آسیب‌دیدن پل‌های تاریخی اصفهان در تعطیلات نوروزی اعلام کرد تخلفات و آسیب‌هایی به پل‌هایی مانند سی‌وسه پل در این مدت رخ داده است. وی افزود با وجود نصب دوربین‌های امنیتی در این پل‌ها، فرد خاطی شناسایی شده و تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. کرم‌زاده همچنین



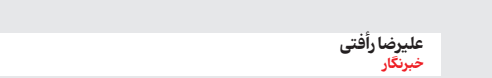
طبق اعلام ستاد سفر، از ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱۵ فروردین ماه امسال، ۳۶ میلیون و ۵۱۹ هزار و ۶۷۱ نفر سفررفتند، این آمار براساس بررسی کارشناسان این حوزه، به نسبت اوضاع اقتصادی، آمار قابل توجهی است؛ البته قرار نیست در این گزارش از سفرها و این مدل آمار بگویم، حتماً در ایام نوروز اخبار آسیب به آثار باستانی و تاریخی به گوش‌تان خورده است. از یادگاری نوشتن بر سی‌وسه پل تا برداشتن خاک از جزیره هرمز! در میان همه شیوه‌های مواجهه با میراث فرهنگی، شاید خاص‌ترینش را بتوان در رفتار برخی از هموطنانمان یافت؛ آن‌هایی که گمان می‌کنند تاریخ، جایی است برای ثبت نام‌شان روی آثار تاریخی. سی‌وسه پل، تخت‌جمشید، حافظیه و دیگر آثاری که قدمت چندصدساله دارند و از اهمیت فراوانی برخوردارند برای برخی فرقی با برگه‌ای برای نوشتن و خط‌خطی کردن ندارد! برخی از این آثار قرن‌هاست که روایت‌گر شکوه ایران هستند، اما برای عده‌ای، این آثار درست زمانی معنا پیدا می‌کنند که با خودکار، کلید یا سنگ، نام‌شان را بر آن حک کنند. انگار برای برخی، بازدید از یک اثر تاریخی زمانی کامل می‌شود که اثری از خود (به معنای فیزیکی اش) بر آن بگذارند. آنجا نمی‌ماند تا بیا موزن یا درک کنند، آمده‌اند تا بنویسند: «ما اینجا بودیم. ما سفر کردیم. و پله ما اسم‌مان را هم جا گذاشتیم.» فقط کاش می‌دانستند اثری که صدها سال آنجا ساخته شده و طی این سال‌ها باقی‌مانده، هدفش چیزی جز ثبت نوشته‌ها و اسم‌های فاقد ارزش و اعتبار این افراد است. برای اینکه این میزان سفر بدون آسیب به ایران و تاریخ تمام شود، باید برنامه‌ریزی‌های طولانی انجام داد. با رخ دادن این اتفاقات و رسانه‌ای شدن تعداد قابل توجهی از این‌ن موارد، در فضای مجازی واکنش‌های مختلفی به وجود آمد. برخی صرفاً به ناسازگویی بسنده کردند و برخی تلاش کردند با ایجاد کمپین‌هایی تلاشی برای فرهنگ‌سازی انجام دهند. در این گزارش به سراغ این آسیب‌ها و تعدادشان در نوروز ۱۴۰۴ رفتیم تا بدانیم ریشه این تخریب‌ها در کجاست؟

تخریب‌ها چه بودند و چه کردند؟

در ۱۵ روز تعطیلی سفرهای نوروزی، اخبار مختلفی درباره آثار تاریخی – فرهنگی ایران منتشر شد. اخباری که برخی از آن‌ها باعث خوشحالی و برخی دیگر خشم و اندوه به‌همراه آورد. در همان روز اول، ویدئویی از لحظه سال تحویل شیراز که استقبال زیاد مردم را نشان می‌داد در فضای مجازی پرواکتش بود. استقبال زیاد مردم بخش خوش خبر بود، اما اخباری منتشر شد که حاکی از آسیب به محوطه سبز و حفاظبندی‌های حافظیه بود. به گفته ثابت اقلیدی، مدیرکل میراث فرهنگی استان فارس تنها بخشی از فضای سبز حافظیه دچار آسیب شد؛ برخی از گلدان‌های سفالی و گل‌های شببو که روی پلکان قرار داشتند، به علت ازدحام و تردد زیاد آسیب دیدند یا شکسته شدند. همچنین تعدادی زرده به دلیل حجم زیاد گردشگران خم شده بود. البته این آسیب‌ها بلافاصله بعد از پایان مراسم سال‌تحویل ترمیم شد. مدیریت مجموعه برای ساماندی، مجموعه را به مدت دو ساعت تعطیل کرد تا نظافت، تکنیک گل‌های سالم و بازاریابی فضای سبز انجام شود. به گفته مسئولان، «خوشبختانه هیچ‌گونه آسیب مستقیمی به بنای تاریخی حافظیه وارد نشده است.»

ثابت‌اقلیدی درباره خسارت و آسیب به آثار تاریخی گفت: «یادگاری‌هایی که در تخت‌جمشید نوشته شده، برای سال‌های گذشته بوده. تفاوت در جنس مصالح سازه‌ها نیز سبب تفاوت در شیوه‌های مرمت می‌شود. برای مثال، مرمت و پاک‌سازی یادگاری‌ها از روی سنگ‌های تخت‌جمشید به‌مراتب

«پیشمرگ»؛ لانگ‌شات جامعه ایران



همین ابتدای یادداشت باید اشاره شود که ممکن است در این نوشته بخشی از داستان فیلم سینمایی «پیشمرگ» برای مخاطب لو برود اما همین که داریم از لو رفتن داستانی که در واقعیت اتفاق افتاده صحبت می‌کنیم، یعنی اصل درد و درد اصلی این یادداشت. موضوع اصلی همین است که چرا ماجرای به این مهمی که از پیشامد آن هم زمان زیادی نگذشته این چنین در کمد درسته خاطرات امنیتی کشور خاک گرفته است؟ کودکان کردستان که در زمان این عملیات قهقهه پهلوانی سعید قهاری را دهان به دهان شنیده بودند، حالا تازه اول دهه چهارم زندگی‌شان است اما این قصه آنقدر دور افتاده که انگار ششانه به شانه داستان‌های اسطوره‌ای ایران باستان می‌زند و اگر هم پدربزرگی آن را برای نوا‌هش تعریف کند، سسراغ واقعیت یا افسانه بودنش را نمی‌گیرد.

می‌دهد. همان شهید کاظمی که در موقعیت حساس می‌داند کدام شخصیت به درد کدام مسئولیت می‌خورد. داستانی که از طرفی یک مسئول در آن برای پایمال نشدن سرمایه ملی و آبروی کشور حاضر است جان خود را به خطر بیندازد اما از طرف دیگر، مسئولی دیگر از سر جهالت یا قطعیت در این مسیر سنگ‌اندازی می‌کند. داستانی که در آن هر آن ممکن است اقدام بدیر یا بد برخی مسئولان گاف رسانه‌ای بزرگی به دست دشمن بدهد.

فیلم پیشمرگ انگار تمام ایران است با تمام سنانلش. با انتخاب‌های درست و غلط. با جان‌فشانی‌ها و خنجر از پشت زدن‌ها؛ و البته با نقش‌آفرینی همیشگی ما مردم که آن خانواده‌ایم که عروسی‌مان با یک توطئه عزا و اشک‌مان با یک دلگرمی سداه لبخند می‌شود. ما مردم همانیم که جنایت بیمارستان پاهو نفس‌مان را می‌گیرد و با تکبیر چمران نفس تازه می‌کنیم. همانیم که میان خدمت‌ها و خیانت‌ها زندگی می‌کنیم و به پایان خوش این قصه امیدواریم.